



مقدمه

ورود اسلام به ایران و گرایش ایرانیان به این دین مبین، یکی از مهم ترین حوادث تاریخی، برای ملت ایران است. گرچه اسلام با شتاب خیره کننده ای در ایران پیش رفت؛ ولی حاکمیت عقیدتی اسلام بسیار آرام و ریشه دار صورت پذیرفت و توجه اسلام به حق و عدالت اجتماعی از مهم ترین عوامل گرایش ایرانیان به اسلام بود. ایرانیان پس از گرایش به اسلام، روح و معنی اسلام را در خاندان اهل بیت علیهم السلام یافتند و با خاطره شیرینی که از حکومت عدل حضرت علی علیه السلام داشتند، تحقق عدالت اجتماعی را در مکتب فرزندان او یافتند. آنان با مشاهده سجایای اخلاقی، علمی، دینی، سادگی و بی آلایشی اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنان، به مکتب تشیع گرایش پیدا کردند و برخی جزء اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام شدند که به مرور زمان بر تعداد آنان افزوده شد. (1)

امام محمد باقر علیه السلام با تأسیس اولین دانشگاه اهل بیت علیهم السلام، شاگردان و اصحاب بسیاری را تربیت کرد و صدها فارغ التحصیل در موضوع های گوناگون به جامعه عرضه نمود. شیخ الطائفه (شیخ طوسی) در رجال خود، اصحاب و شاگردان امام محمد باقر علیه السلام را 462 مرد و دو زن دانسته (2) که در میان آنان برخی از نظر اعتبار و وثاقت مورد اتفاق اهل سنت و امامیه اند و برخی از فقیه ترین فقیهان صدر اسلام محسوب می شوند. در این میان عده ای از ایرانیان افتخار شاگردی و ملازمت با امام

محمد باقر علیه السلام را داشتند. گرچه نمی توان نام تمامی اصحاب ایرانی امام محمد باقر علیه السلام را از منابع رجالی و روایی استخراج نمود؛ ولی سعی شده چند تن از یاران ایرانی امام پنجم را به طور مختصر معرفی و خدمات آنها را ذکر نماییم.

حمّاد بن ابی سلیمان

ابو اسماعیل حمّاد بن ابی سلیمان از ایرانیان مقیم کوفه است. پدرش فرمانروای اصفهان بود که در جریان فتح آن شهر در زمان خلیفه دوم به دست ابو موسی اشعری به همراه خانواده اسیر شد و سپس در حضور خلیفه دوم، اسلام آورد. وی از جمله ده موالی بود که معاویه در جریان جنگ صفین به ابوموسی اشعری بخشید و ابوموسی او را به پسرش ابراهیم داد و ابراهیم او را آزاد کرد و سپس پدر حمّاد در کوفه ساکن گشت. (3)

ابو سلیمان در کوفه به زندگی جدید خود پرداخت و فرزندش را به تحصیل علم و دانش گمارد؛ به طوری که حمّاد در زمره دانش آموختگان مشهور کوفه قرار گرفت.

حمّاد پس از کسب علوم مقدّماتی وارد دانشگاه امام باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام شد (4) و به حدّی در کسب دانش پیش رفت که دانشمندان اسلامی از وی به عنوان امام، مجتهد، فقیه، جواد و کریم یاد کرده اند و او را به کثرت حدیث توصیف نموده اند.

ابن سعد از حمّاد بن زید نقل می کند: حمّاد بن ابی سلیمان به بصره مسافرت کرد. پس از بازگشت، از وی پرسیدند: بصریان را چگونه یافتی؟ گفت: آنان شاخه ای از اهل شام هستند که در نزدیکی ما فرود آمده اند. حمّاد بن زید می افزاید: یعنی آنان درباره علی علیه السلام چون ما نیستند.

سید محمد امین این گفتار حمّاد را نشانه تشیّع او می داند؛ به جهت اینکه بصریان از امیرمؤمنان علیه السلام روی گردان و اهل کوفه، شیعه آن حضرت بودند. (5)

حمّاد پس از خدمات زیادی که در طول عمر خود انجام داد، در سال 120 ق. و در کهولت سن وفات یافت. (6)

داوود بن ابی هند سرخسی

داوود بن ابی عذافر قشیری سرخسی، اصالتاً خراسانی و اهل سرخس است. ذهبی زادگاه وی را شهر مرو می داند و چون داوود مدّتی در بصره اقامت داشته به بصری نیز شهرت یافته است. (7)

نام پدرش دینار بن عذافر، معروف به ابی هند است. داوود چون پدرش مولای زنی از قشیری ها بود، به این جهت به قشیری نیز شهرت دارد.

داوود از طریق خیطاطی یا فروش خز، گذران زندگی می کرد و در کنار آن به تحصیل علم و دانش نیز می پرداخت. او از اصحاب ایرانی امام محمد باقر علیه السلام است. (8) مامقانی اظهار می دارد که وی باید امامی مذهب باشد

که صاحب الدّریعه و اعیان الشّیعه به امامی بودن و تشیّع او تصریح کرده اند. (9)

داوود در علم تفسیر از علمای مشهور عصر بود. او تفسیری داشت معروف به تفسیر ابن ابی هند (10) که اثری از آن نمانده است. علاوه بر آن، او فقیهی کامل بود که از دوران جوانی در زمان حسن بصری فتوا می داد. حماد بن زید می گوید: در فقه احدی را برتر از داوود ندیدم. (11) علمای اهل سنت داوود را از راویان موثق به شمار می آورند و علامه امینی وی را فردی دانسته است که همگان در ثقه بودنش اتفاق نظر دارند. (12)

داوود علاوه بر شهرت علمی، در زهد و تقوا نیز شهره بود. او چهل سال پنهان از دیگران، روزه گرفت؛ بدین ترتیب که به هنگام خروج از خانه، با تظاهر به نداشتن روزه، غذای خود را بر می داشت و به دنبال کسب روزی بیرون می رفت؛ ولی در بین راه، آن را به فقرا می داد و شب هنگام به خانه برمی گشت و افطار می کرد.

یکی از کارهای او، نصیحت به جوانان است. محمد بن ابی عدی در حکایتی از دوران جوانی خود می گوید: روزی داوود به ما رو کرد و گفت: ای جوان ها! برایتان از مطلبی خبر می دهم که شاید برای برخی مفید باشد. خردسال که بودم به بازار می رفتم و هنگامی که آهنگ بازگشت به منزل می نمودم، با خود شرط می کردم که تا رسیدن به فلان مکان، ذکر خدای تعالی بگویم و چون به آن مکان می رسیدم تا مکان بعدی همین کار را تکرار می کردم تا آنکه به منزل می رسیدم. (13)

مرگ داوود در سال 140 ق. در راه مکه اتفاق افتاد.

محمد بن اسحاق

محمد بن اسحاق بن یسار بن خیار (ابوعبدالله) از موالیانی است که پدران مسیحی بودند و یسار بن خیار یا یسار بن کوتان از مسیحیانی بود که در «نُفیره»، روستایی در حوالی عین التّمر زندگی می کردند و این منطقه، جزء ایران و از نواحی تابعه عصر ساسانی بود. خالد بن ولید پس از فتح این نواحی، یسار را همراه چهل تن دیگر به اسارت گرفت و به مدینه برد. یسار پس از ورود به مدینه، مولای قیس بن مخرمه شد. (14)

یسار، سه پسر به نام های: اسحاق، موسی و عبدالرحمن داشت که هر سه از محدّثان و راویان حدیث بودند. اسحاق با دختر یکی از موالی ازدواج کرد که حاصل آن، سه پسر و یکی از آنها محمد بود.

محمد در سال 80 یا 85 ق. در مدینه متولّد شد (15) و دوران کودکی و نوجوانی را در این شهر که مرکز عمده حدیثی بود، گذراند. وی سپس در 30 سالگی برای بهره گیری از اخبار سیره نویسان، به مصر رفت و پس از پیروزی عباسیان بر امویان، به عراق آمد و مدتی در کوفه و ری اقامت گزید. در زمان خلافت منصور، کتاب معروف خود مغازی را تألیف کرد و در میان مردم کوفه و سایر مناطق منتشر ساخت. کتاب سیره او اولین سیره نسبتاً جامعی است که به دلیل نظم منطقی موجود در آن، به عنوان نخستین کار اصیل در این زمینه شناخته شده است.

محمد بن اسحاق، محدّث و اولین سیره نویسی است که زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را به رشته نگارش در آورده است. شیخ طوسی و برقی او را در شمار اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام نام برده اند (16) و برقی پدرش اسحاق را نیز از اصحاب امام باقر علیه السلام دانسته است. (17)

ابن اسحاق، زمانی که در مدینه بود، به شیعه بودن متهم شد و چون در کتابش، روایات «وانذر عشیرتک»،

«حدیث غدیر» (18)، حدیث بلند «الجنان والنوق» را از امام باقرعلیه السلام (19) و دیگر احادیث را در اثبات خلافت علی علیه السلام نقل نمود، به تشییع متهم شد و حتی علمای اهل سنت - از جمله خطیب بغدادی - او را به تشییع متهم کردند. (20)

شیخ طوسی و کشی او را از دوستداران و عاشقان اهل بیت علیهم السلام می دانند. ابن اسحاق، حافظه بسیار قوی داشته و احادیث زیادی را حفظ بوده است و به خاطر حافظه بی مانند، او را «امیرالمحدثین» خوانده اند. او با نوشتن سیره یا مغازی، سنت و احادیث پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را حفظ و در اختیار مسلمانان قرار داد. وی برای جمع آوری اخبار، به بصره، کوفه، مصر، بغداد، و ری سفرهای طولانی نمود. به جز کتاب مغازی یا سیره، چند کتاب به او منسوب است. از جمله: الفتوح، سیرالعرب، اخبار صفین و حدیث المعراج و الاسراء. (21)

محمد بن اسحاق عاقبت در سال 151 ق. در بغداد در گذشت و در مقابر خیزران دفن گردید.

پی نوشت ها :

1. خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری، ص 112.
2. رجال طوسی، محمد بن حسن طوسی، اسلامی، قم، 1415 ش.
3. راویان مشترک، حسن عزیزی، پرویز رستگار، یوسف بیات، دفتر تبلیغات اسلامی قم، 1381 ش، ج 1، ص 262.
4. رجال طوسی، ص 116 و 172.
5. اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج 6، ص 223.
6. تاریخ خلیفه، خلیفه بن خیاط العصفری، دارالفکر، بیروت، 1414 ق، ص 275.
7. رجال طوسی، ص 120؛ معجم الرجال، ج 2، ص 279.
8. رجال طوسی، ص 120.
9. الذریعه، آقا بزرگ تهرانی، اسماعیلیان، قم 1418 ق، ج 4، ص 240؛ اعیان الشیعه، ج 6، ص 366.
10. فهرست ابن ندیم، ص 36.
11. راویان مشترک، ج 1، ص 300.
12. الغدیر، علامه عبدالحسین امینی، ترجمه زین العابدین قربانی، بنیاد بعثت، تهران 1362 ق، ج 8، ص 318.
13. راویان مشترک، ج 1، ص 318.
14. فتوح البلدان، ابی الحسن بلاذری، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1979 م، ص 248.
15. سیر الاعلام النبلاء، ذهبی، ج 7، ص 34؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، 1374 ش، ج 3، ص 5.
16. رجال طوسی، ص 281 و 311.
17. رجال برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، القیوم، قم، 1419 ق، ص 10 و 20.
18. الغدیر، ج 1، ص 75.
19. این حدیث شامل پاسخ حضرت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به پرسشی از آیه شریفه یوم

نحشراالمتقين(مريم / 85) خطاب به علي(عليه السلام) است.

20. تاريخ بغداد، ابن بکراحمدبن علي خطيب بغدادی، دارالکتب علميه، بيروت، 1417 ق، ج 1، ص 224.

21. دایرةالمعارف بزرگ اسلامى، ج 3، ص 9.

منبع : فرهنگ کوثر ، تابستان 1384، شماره 62